

صفحة اول  
جلد پنجم  
شماره هفتم  
قیمت اشتراك  
۱۳ جولای

# جسب و اخلاق

۱۳۱۹

PAGE. 1  
VOL. V  
No. - 7

سالیک دالرونیس  
ماه کلمت شه

این مجله بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل یگانگی بشر و وحدت ادیان و ترویج صلح عمومی و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و ترویج حقانیت ازین عمودی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادارات قبول و نشر خواهد گردید

## لزوم تربیت

روح مبارک برای حضرت سلام در چین علیه السلام  
هو الله

ای مفتون و تشنه حقیقت : نامه شماره سید دلیل بر آن بود که از افاق وجدان صبی تابان طلوع نموده امید چنانست که پسران طلوع صبح آفتاب درخشانده چنان اشرف نماید که پر تو بر آفاق بند معلوم آنجناب بوده که عالم وجود محتاج معرفت و معلوم است و مرتب بر دو قسم است بر میان عالم طبیعت و بر میان عالم حقیقت اگر زمین را بحال طبیعت بگذاری جنگل و خارستان گردد ولی چون دست باغبان مهربان بمیان آید جنگل بوستان شود و خارستان گلستان گردد پس معلوم شد که در عالم طبیعت تربیت لازم است و همچنین ملاحظه فرمایید که نوع بشر اگر از تربیت و تعلیم محروم ماند جسم سموم گردد چه که اقوام سوحشه بهیچ وجه اجزای انسانی ندارند مثلاً چه فرق است میان سیاهان افریک و سیاهان افریک اینها خلق الله البقر علی صورة البشرند آنان تمدن و باهوش و فرهنگ حتی در این سفر در جمیع مدارس و کلاسها سیاهان و دانشگن همتهای معتزله شد مانند هر سفیدان اروپایی تمام نکته هائی میبیزند پس چه فرق است میان این دو نوع سیاه یکی در اسفل جهل و دیگری در سلوچ مدنیست جز تربیت بقیادت تعلیم و تربیت سبب عزت آنان و عدم تربیت سبب ذلت ایشان میشود پس از این معلوم شد که

تربیت انسان را در عالم مذنیست است و مدنیت بر دو قسم است مدنیت عالم طبیعت و مدنیت عالم حقیقت که تعلق به عالم اخلاق دارد و ظاهر و در هیئت اجتماعی جمع نشود فلاح و فحاح حاصل نشود ملاحظه نمائید که در جهان و در هیئت طبیعی نیمه برانراخته و گمن چه قدر تاریک است جمع افکار هر وجه سازنده و رفیقت هر روز تجدید سلاح آفریند مواد التهاب الم بکلی منقطع و نفوس در زیر بار زله و خیران زیر مدنیت اخلاق و روحانیت و انجذاب نشاء الله بکلی مفقود باری همچنانکه در عالم طبیعت برین و معلوم است همچنین در عالم حقیقت یعنی عالم جان و وجدان و شیم و اخلاق و فضائل بر پایان و کالات یعنی عالم انشا و سعادت و وجه عالم مرتب واجب نوسن هیئت طبیعی فلاسفه اخذند و معلوم مدنیت حقیقت مظاهر مفسسه الهیه اند لهذا اگر علم انشا از مرتب طبیعی و مرتب حقیقی محروم ماند بقیادت باطل و کائنات عالم حیوانی متلا گردد مدنیت طبیعی مانند نجاچ اسب و عید الهی مانند سراج مدنیت جسمانی مانند جسم است و مدنیت الهی مانند روح این نجاچ سراج لازم و این جسم را روح واجب صدر ساله جالبوس حکیم را مطالعه نما که در ترفیات مدنیت عالم انسانی تألیف نموده میگوید «فقال قدسیه انراظم و ساطع عالم مدنیت و انسانیت است چنانکه در این زمان ملاحظه میکنم گروهی را که سیهی مانند چو در و عقائد دنیست ثابت و مستقیمند موم این فرقه ضلیم و حقیقتند زیرا با خدا در

۲  
 و اطوری نرسند که عظم فیلسوف بعد از حجت و سلوک و ریاضت  
 سینه کینه حاصل نماید عدم این فرقه در نهایت کمال بقضای حق  
 صند \*  
 پس معلوم شد از برای عالم انسا بر حقیقی عمومی کلام تا احزاب  
 متفرقه را در ظل کلمه واحد جمع کند و ملل متخاصمه را از چشمه  
 واحد بنوشاند و عداوت و بغض را ببدل محبت و کوفت نماید  
 و جنگ و جدال را بصلح و سلام انجام دهد چنانچه حضرت رسول  
 علیه الصلوٰة والسلام قبائل متحاربه متخاصمه شوحته عربان بادیه  
 بیکدیگر ایام داد و در ظل خیمه وحدت و آسودگی این بود که آن  
 عربان بادیه ترقی عظیم نمودند و در عالم کمال معنوی و صوری بر عالم  
 افراختند و عزت ابدیه یافتند و همچنین حضرت مسیح علیه السلام  
 ملل متخاصمه متبغضه متخاصمه یونان رومان سیران کلدان آشوریان  
 اجبلیان را که در نهایت بغض و عداوت بودند بر زمین واحد  
 جمع کرد و ارتباط تام بخشید پس واضح و معین شد که از برای  
 عالم انسا مرقی و معلم عمومی لازم و آسان مظاهر مقدسه الهیه  
 اند و اگر نرسد گویند که ما از خواصیم و احتیاج تعلیم نداریم  
 مثل آن است که خواص امرای لشکری بگویند ما در خون حریف با هم  
 محتاج بسواد نیستیم این واضح است که این قول بی اساس است  
 جمیع لشکر چه از خواص چه از عوام کل محتاج سردارند که مرقی  
 عمومی است و هذا کاف و ان من الی التبع و هو شهید علیک  
 البقاء الامم \* مدالها عکس

۳  
 تا اعتصام بر روی ترقی تزیید یابد و الفت و اتحاد در میان  
 با ملت از دیاد جبرید \*  
 یا حزن الله جمالها لیک پنجاه سال گری و سختی لاسل  
 و اغلال بود و گری مبتلا بقویستفارس عاقبت در این  
 اسیر زندان گشت و بعد از آن کاف و نواج و صدقات فوق  
 الطاقه سرگون بفرق گردید و مدت اقامت در عراق و  
 باسود رشی و فلتر این و امان اجبت فرمود هموار شد  
 سهام بود و در خطر عظیم از نطاول دست عدوان و بی  
 بنی بلاد بلغاس کفرا گشت و بعد از هفتی در سخن اعظم  
 فریادت و قریبیت و بیخ سینه در آن زندان مظلوم  
 آفاق گشت مصائب و بلاهای حضرت مفقود را این نامه  
 گنجایش ندارد فخرها بنسبت که در آیم حیات آسایش بکلی  
 مفقود جمیع این بلاها و محن در آن ایام حال مرود قتل فرمود  
 تا میان بشر و حدیث انسانی تفرق یابد و اتحاد و یکا گنی ناسیر  
 جوید و بیباک اختلاف و بیگانگی بکلی برانند و در جمیع الواح  
 تخریب و تشوین و تصحیح فرمود که فلاح و نجات حصر در وحدت  
 عالم انسانی است که باید این وحدت با فخر مصباح صبا  
 در آفاق سنتر گردد ربا در ظهوری که اشرف جمیع هستند  
 موضوع آن اشراق امری از امور بود در ایام ظهور حضرت  
 کلمه موضوع شریعت الله و طاعت و انقیاد بر رب الجنود  
 بود و احکام و در نهایت بحق و گران اینست که در قرآن میفرماید  
 "فبلا نفل علینا امرنا کاحملنه علی الدین قبلنا" و در بوم اشرف  
 نیز میفرماید "سبح من وضع و اساس شریعت آن صبح مع حسن اخلاق  
 و تلبوت و دفاق و عدم انتقام از اهل نفاق و شقاق بود لهذا  
 "من ضرت علی حدک الایم حول الایسر" فرمود و در بوم  
 ظهور جمال محمدی موضوع امر و اساس دین الله کسر اجسام  
 وضع بادت اوقان و تحمیر فاعنه و اذلال طواغیت بود و در بوم  
 ظهور حضرت اعلی من طرف بیان توحید اویان بضر با نفاق حرف  
 کتب و اوراق و عدم بقاع و قتل عام الا من آمن و صدق برده  
 اما در این دو سر بدیع و قرین جلیل اساس دین الله در موضوع نبوت

﴿ لِرُؤْمِ الْإِنِّانِ ﴾  
 بعد از احتیای الی ابواسطه قائم مقام  
 هو الله

ای یا این روح عبد البهائم مدنی بود که از اختلاف و عدم  
 اتیلاف احباب در مدینه الله قلب غریب بود و دل پر خون لهذا  
 عبد البهائم مکاتبه و مغایره با احتیای مدینه مستر آسود ولی  
 چون از ایام انزگوشه و کنار بنشیند اتیلاف ابرار سمیع یار و عیال  
 گوید لهذا بکر این قلم بذكر آن بندگان پروردگار پرداخت

نیز میفرماید "سبح من وضع و اساس شریعت آن صبح مع حسن اخلاق  
 و تلبوت و دفاق و عدم انتقام از اهل نفاق و شقاق بود لهذا  
 "من ضرت علی حدک الایم حول الایسر" فرمود و در بوم  
 ظهور جمال محمدی موضوع امر و اساس دین الله کسر اجسام  
 وضع بادت اوقان و تحمیر فاعنه و اذلال طواغیت بود و در بوم  
 ظهور حضرت اعلی من طرف بیان توحید اویان بضر با نفاق حرف  
 کتب و اوراق و عدم بقاع و قتل عام الا من آمن و صدق برده  
 اما در این دو سر بدیع و قرین جلیل اساس دین الله در موضوع نبوت

الله و آفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل و صد اقت  
 و امانت و برهانی صمیمی بلی با جمیع انزاد بشر انهر ملل و غلوا بد  
 بنهایت دوستی و راستی و امانت و دیانت و الفت و تقاضای  
 گردد حال این صبح نورانی امر الله و این کوب و حجاب دین الله آیا  
 انصاف است که نعام احدی بین اجناس و عدم انعام مستور  
 و پنهان گردد لا والله بلکه جمیع ما باید بیگانگان را جانفشانی  
 نمایم تا چه رسد باشتنا اعیان ما باید بر ستم ناچهره  
 بیایند هذه شریعت الله و دین الله و امر الله فی هذا  
 القرن الجدید و العصر العظیم امیدیم بیانتی که احبای عارف  
 مانند جمیع ستیزان اشتراق کردند و همواره بدر کلاه جمال ابتدای  
 الجاننام و آن یاران مجانی را موهبت آسمانی خواهم که هر یک  
 از رفیق تقدیس چون ستاره بدرخشند و مانند نسیم مهیب  
 حیات هراسنده و پرموده فی را روح حیات بخشند و علم  
 البهائم الالهی \* ع ع ع

رافع و البخرنخار و الشجر نور البیت محمود و القبر مطهر  
 و السی شکور نمک بالمره الوثقی الی لا انضمام لها  
 و علیک البهائم الالهی \* عبد الحجاز عباس

روح انسان

آباد و میرزا قابل  
 هو الله

ای بنده آستان مقدس نامه شمارید در وقتیکه در  
 محیط اعظم مشاغل و غمائل و قایم بر متفرقات جرب  
 سله فی که خراسته بودید بتفصیل تمتع و مستحیل است  
 لهذا جوب مختصر قریب میشود که روح انشا و تعبیره اخری  
 نفس ناطقه در عالم وجود واسطه مابین مجردات و تجزئات  
 است یعنی روحانیات و جسمانیات از جهت لطافت  
 روحانی دارد و از جهت کثافت شهودات جویانی روشن  
 ناسوف نه مجرد تمام دارد نه تجزئات تام بلکه جمیع البجین  
 و مزج بین الامیزات اگر جهت روحانیه غلبه کند  
 علوی گردد نورانی شود روحانی گردد مطهره شود لضمیر  
 گردد مریضه شود و اگر بشود لکافی ناسوف آله  
 شود مستغرق بظلمات گردد نوازه شود آماره بالسوگره  
 و در اسفل عالم وجود مفریاید لهذا وجوبه دارد چون  
 جنبه نورانی عقل بر عالم طبیعت غالب گردد قوه کاشفه فی یابد  
 که صدر آثار بدیع و واقف حقائق و خواص اشیا شود از  
 این محل معانی مفصل ادوات غما \*

التبیین

عبد الغنی فی علی از اهل بیت ده صفحان علیه السلام و الشاه  
 هو الله  
 اعطى الخليفة روزی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بر بالای  
 بام بود شخصی تکلم فریاد بر آورد که یا علی یقین بحفظ الهی  
 که در صورت حمايت او محفوظ و مصون فرمود بی عرض کرد پس  
 خرد را باین انداز فرمود "طالب بطور با امتحان نماید بلکه  
 بطور بطالب امتحان و آنرا یبشر کند و همچنین قرآن را تلاوت  
 کند هر نفسی که بیزان با امتحان کشود عاقبت بخیران افتاد زیرا  
 گفته میران او تحمل ثقل عظیم نمود و میزان ملائحت شد از حضرت  
 رسول و علی له الفداء ان عیب جزا کردند جواب فرمود "لو  
 علمت الغیبا لاسکرثت من الخبر و لا اعلم ماذا افعل فی سبکم غدا  
 این قصه قرآن است روایتیست و کن نظر الی الاشارة و لك  
 البشارة ان الامیر منصب لا یجعله الا ملک مقرب اوی  
 مرسل و هذا نص الحديث ثم اعلم ان النجم ثاقب و القلب

امه الله الخنجر المشتعلة بنا حجت الله صیه من ادراك  
 لقاء نیر حضرت ذبیح صبح از قبل من نهایت بر بار اوست  
 ایلوغ دار از الطاف الهی امید چنانست که محفل آما و حن  
 نهایت انتظام حاصل نماید و بهمت ایشان سلوحت نام نموده  
 خدات شکره از آن محفل ظاهر گردد جمیع آن آما و حن  
 بشاره الطاف الهی بر شما و علیک البهائم الالهی \* ع ع

دوصیف طیبیان

قرین حضرت حکیم باشی علیه بها، الله الأکبر  
هو الله

ای حکیم الهی از نباتات تا بیخ نایبنا هذا در دنیا در وصف  
طیبیان موجود اطباء الهی و اطباء طبی و در کتب و  
صف مذکور نفوس باریکی طیبیان الهی بودند و تشخیر  
الارض منوی می نمودند و بدیقات الهی معالجه می فرمودند  
آن طیبیان در دستان الهی قصب طبا بته کردند لهذا  
امراض مزمنه نفوس انسانی بلکه عمل مهلک آفاق را تشخیر  
مینمودند و معالجه می فرمودند و همچنین طیبیان طبی آمدند  
و نجات بسیار کشیدند بپایان پستار بودند و علیها  
معالجه ابدان می نمودند این دو فرقه هر دو خادم عالم  
انسانی بودند و فوائد عظیمه از هر دو وصف در میان  
قر شکر کن خدا را که طیب دل و جانی و حکیم جسم و ابدان  
رضای روحانی را در وی جانی دهی و علیها در جسمانی را علاج و در  
برای غائی جامع دو طبابتی و حائز دو منقبت این است  
عبر و هبت این است فضل و رحمت که تو را موفق خدمت  
یاس و اعتبار نموده و منظر الطاف بشمار فرموده جمیع  
نفوس خدای خویش و خدای بیگانه که از قرین برور نموده  
و با انها ملاقات شده کل از نور ارضی و مسمون و خوشنودند  
از این جهت عبد البهائم محیطه خدمت تو می خورد و آرزوی  
موفقیت تو می نماید ای کاش من نیز از این خدمت نصیب  
داشتم و بهر بی می گفتم کنن محیطه بر حمت من بسیار جمیع باران  
روحانی را تحت ابع ابروی با کمال اشتیاق برسان و علیک  
البهائم الأبری \* عبد البهائم بحس

✽ ✽ ✽

نجم بلختر : قبل از شروع بساحت اقدس و ورود این عبد  
بامریکا از جمله بیانات باریک این بود - که اگر شخصی  
فلاطون این زمان باشد و در آن نجات الله محروم  
شود ابدان مشرفی ندارد ...

فکران الذکر و تنفع المؤمنین

که بر اهل بها و صاحبان عقل و ذری ثابت و روشناس است  
که بهترین وسیله نجات من فی العالم و حیات بنی آدم و نجات  
و احتملت بهائی تبلیغ امر الله و ترویج تعالیم تقدسه  
حضرت بها، الله است و ما بدین مقصد علی فتوانیم  
رسید مگر آنکه اولاً افراد اجاباً تبدیل افکار و تصفیر  
و تعدیل اخلاق و اطوار نمایند و بمصداق بلغ نفسك  
ثم بلغ الناس رفتار فرمایند تا اقوال و اعمال ایشان بسبب  
هدایت دیگران شود و باعث تربیت پیروان گردد و کمتر  
دیگر آنکه باید بدانیم که وظایف حالیه احبها الله غیر این  
سنوات سابقه است چه که امر الله بواسطه ما افترا بیک  
حضرت عبد البهائم بذات مقدس در اروپا و امریکا  
فرموده اند بلك اجت تان و اهمیت بی اندازه حاصل  
شده و انتظار اولاً لأبصار با کمال وقت مواجب اعمال  
اهل بها، الله است که اگر موافق تعلیمات عالییه الهیه باشد اقبال  
نمایند و هرگاه خدای نخواست از اجراء فریض دینی خود  
غفلت نمائیم بدریجات سبب و بالانگبار شدیم  
و ثانیاً باید خیلی وقت نمائیم تا بعضی از عادات مذموم  
مسل سابقه که بعد از چند یا چندین هزار سال در بین  
آنها انتشار یافته باین زوایا در میان اجناس منور نشود  
که بدو شک نجات سابقین را بجهت خواص داد و در تمام  
مطهره شهادی مخلصین را بی ثمر بگذارد

از تفقه آن کلام حضرت مقصود امید و هب است که این  
عباد با نجه سزاوار این روز فیروز است موفق وارد  
و مسائل خدمتگداری برای هر یک از دوستان فراهم آرد  
✽ ✽ ✽ نصر الله طاکم سلطان

نجم بلختر و حضرت طالعانی و برادر ایشان  
آقا میرزا امیر مرقوم فرموده بودند که نفوس  
عراق عجم پیدا شدند که آنها خدمت لومه لایم فی نشر التعلیم  
لألوهیه و تبلیغ المقاصد الحیریه . بالله الله بهم

مَدَارُ اَزَادِيَا

تجرب روزنامه میونسپتر جنرال ۱۰ ماه آپریل ۱۹۱۳ نمبر ۱۰  
 شخصی جلیل ایرانی عبدالجبار عباس پای تخت جنگ  
 نزول اجلاس فرمودند عبدالجبار عباس شخصی جلیل و قابل  
 و عالم و معلم روحانی و رئیس امریهائی هستند و تعالیشان  
 الفت و محبت و صلح بین نفع انسان است ابراهیم  
 برای ترویج تعالیم این امر مسافرت و اکنون از مملکت  
 آلمان با ایچا نشریف آورده اند در ممالک عدید سفر  
 کرده تا با ستوت بکارت نشریف فرماده همه جا خط  
 داده اند و نفوس در نهایت طلب و اشتیاق اجتماع نموده اند  
 تا حال بی پایست نشریف آورده اند برای نفوس که طالب  
 فلسفه و علم شرقی هستند حال غنیمت است که با شما  
 خطاب ایشان مرفوشوند ایشان بلشای فارسی صحبت  
 میفرمایند و بواسطه در مترجم ترجمه میشود و ایشان  
 بظاهر نیز شخصی جلیل هستند از سن طفولیت هم خود را  
 وقف این امر نمودند سالهای دوازده و جبر عبدالمجید بودند  
 صرف محض ترویج این تعالیم موافق از عصر است و ایشان  
 ادیان و مذاهب مختلفه از مقصد عزیز بلا پای شریف  
 دیده اند و در مملکت عثمانی اسیر و مدتها در حبس و حجر  
 بوده اند تا آنکه علم آزادی در ترکیه بلند شد و ایشان  
 از حبس غایت جسته بدون ملاحظه اجتناب و محنت خود  
 سفر نمودند این امر را به هزاران نفوس گوشزد فرمودند  
 چه ایام حیات ضرورت فدای نشر این تعالیم نموده اند پس  
 ایشان حضرت بجهت الله از خاندان نجبا و بزرگان ایران  
 بودند و مؤسسان این امر بودند پس از صدقات زیاد  
 این امر انتشار یافت اهل ایران بعضی مؤمن و بعضی منکر  
 شدند حضرت بجهت الله در قرن فونز و هم سفر  
 شدند و پیش از ایشان باب در شهر تبریز شهید  
 شد امون بعد از ظهر نویسنده این جریده در هتل  
 رستبه که بهترین هتلهای این شهر است شرف شد

و باسماع بیان ایشان فائز و محاسن او را اینک بشود  
 شخص مجلد مستی را می بیند که از قوه عظیمه اش حیران  
 میشود با این سن در اطراف عالم مسافرت نمودند  
 و این تعالیم بقوت جوانی در سن پیری ترویج کردند  
 محاسن آن سفید و عمامه سفید دارند و گفتگویشان  
 با همینه اساس این امر فرمودند امریه است روحانی  
 بسیار ناله نقالید و او هام مذهبی و مروج صلح عمومی  
 و وحدت عالم انسانی و اتحاد ادیان و الفت بین اقوام  
 و تساوی حقوق رجال و نساء و تحصیل علوم و فنون  
 و تشکیل حکم کبری که اساس صلح بین ملل و امم دنیاست  
 که کل باید بکلیتیه ترک جنگ نمایند و فرمودند مختصراً  
 اساس ادیان الهی محبت است و الفت ..

و برای نشریات و مودشان جمعی مجتمع از جمله  
 دکتر آگناس کونس که از اعضای پارلمان است و  
 ایگل منشی سفارت و پروفیسر جو مانتور و جولیوس

امثال ذلك

مخبرناختر : دبروز خبر اعلان حرب مابین دولت  
 نمسه "اوستیا هنگاری" و روس رسید که شروع کردند  
 به جنگ . حال که این آتش هنوز در استبداد و  
 جمیع اروپ و خطر بین است صنعت و تجارت و کاسبی داخل  
 و خارجی همه مختل شده است و اثر این ضرر حتی به آمریکا  
 رسیده است علی الخصوص بندر شهر نیویورک . عجب اینجاست  
 که سال گذشته حضرت عبدالجبار بنفسه تشییع کردند  
 به هنگاری و جمیع ارباب صحت عالم انسانی دعوت فرمودند  
 و به صلح عمومی و ترک جنگ تشویق کردند و پیغام الهی را  
 تبلیغ نمودند و اما کشتیهای مخم و رؤسای  
 روحانی هنگاری قریض به جنگ کردند و دعای برکت به  
 عساکر دادند آیا اینست امر مسیح که میفرمایند " مَنْ  
 ضَرَبَ عَلٰی خَدِّكَ الْاَیْمَنَ فَاُولٰٓئِكَ لَهُ الْاَیْسَرُ ؟ \*  
 مای حضرت بجهت الله و حق بن نفوس مغله در کلمات

مکتوبه میفرمایند :-

« اَيُّ جَهْلًا يَمْشِي فِي عَيْشِهِ »

چرا در ظاهر دعوی شایقی کنید و در باطن ذنب اغنام فرشته  
ثلث شما مثل ستاره قبل از صبح است که در ظاهر درخشان و روشن است  
و در باطن بیاضلال و هلاکت کاروانهای مدینه و دیار شما

« لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ »

تابع ماقبله - که در شماره ۲ جلد ۵ چاپ شده است  
از این اشارت معلوم شد که جمیع بشر بر آن گزیر است  
از قانون عادلانکه که کل مایعوم به البشر است و مدنی و زنی و  
اخلاق و تعدیل اطوار و ترک عادات مفسده و حفظ حقوق تبادل  
طریقتی آن قانون اداء شود و دروغ زندگانی تا با انجام در وقت آن  
قانون در کمال انتظام باشد و حدود دانش و جمع شین محفوظ و  
کند و آن قانون تا قانون آباء و مظاهر کبریا است که باسم دین مردم  
گشته و هذا الاسم طاب سماء و هو ممتاز عما سواه و انزل روح  
الحيوان يحيى به ارواح الازك انسل الله ان يبيننا على التمسك  
به انه ولي المؤمنين في الآخرة والاولى و یکی از اثرات عروسه دنیا  
این است که چون بدقت نظر نمایم شاهد بگیریم که انسان از اول  
کویتیم و حوادث کائنات بریزد که بری نیست و در حدودت حوادث الهیه  
تعالیم و تاثر کرده بدرجه ای که هیچ امری نتواند تا لم اول اسکن و تاثر  
سلی باشد مگر عقائد اسخه دینیه و امید شویا اخرویه که بهترین  
وسيله است از برای تخفیف و تسکین تألمات کوییه و تاثرات دنیوی  
چنانکه در موارد بلا و مواقع ابتلا اند و عایشین بنظر دور سیر است  
حالاتکه عبره لنا طریقت است یعنی در وقت ظهور قضایا و بروز زاریا  
توجه بید می ندیر نموده و روان را قلیل تا تأثیر نگاشته بکمال  
صبر و سکون وقتند بکنحضرت چون گزینیم و آیه الایز الله  
تطهرن القلوب اصداق و لطیفه لانا ان اولیا الله لا خوف  
علیهم ولا هم یحزنون را سفار گشته بکله افرضاوی الی الله ثبت  
و بدینته حبیبی الله و بعد الکل عتک جنه که با و حوادث ایما  
حصن حصین تسلیم و ضاعت با و نم نموده و سل و افح و مرانرا

باستدسید صبر و قناعت جلوه گیری کرده اند و این بس واضح است  
که بر روزها لای چنین منبت اثرات و خاصیات دین است  
و کمترین ثمره ظاهره ای که در این حالت بدست آید این است  
که قلب مؤمن شدید این حوادث کوییه تاثر نگردد و لطمه بفرس  
و وجدان او نخورد و لطیفه انسانیه از لطافت یقیند ولی  
و فقدان دیانت به بیشتری ضرر تاثر گردد و افکار شوش  
و لطیفه حقیقیه او در خطر افتد و مضرت ظاهره و مغزیه حال  
گردد پس دیانت اولین وسیله است برای تسکین و تسلیت  
از مصائب و فاقده آن اشده تاثر و در موارد بلا ملاحظه شود  
و ابرار تسلیت بر رویش سرد و باشد و بالجمله دیانت در  
هر مقام اثری و در هر مرتبه ثمره ای است که این مقاله و جنم الکتاب  
ذکر آن نیست و چون برهنه داشتیم که دیانت لازم و بهترین  
اساس است برای انتظام عالم اکنون قلم را معطوف میسازیم  
بیکر تجدید دیانت . \* \* \* محفل تخریب صحیفه  
۲۱۳

« فُتِيهِانِ فَذِي كَلْبِيَا بِرُؤُوتِ »

در ۱۷ ماه جولای ۱۹۱۳ هجری قمری که فارغ التحصیل شدند جناب  
دکتر حبیب الله خدیجهش و دکتر ضاغان دیلمی طب و جراحی کردند  
و بدین اندکی بشری (ب.ع) شهادنامه بکلیر یوس علوم  
نازل گشته . مخبر باختر به حضرات شریفان تهیت بر او نیز  
تقدیم می نماید و از برای سلامت روانه کرام بهائی نهایت  
اسائل و امل است . کل منجد وجد \* \* \*

« اَخْبَارُ شَيْخِ اَقْدِسِ »

جناب محمد افندی غلامحوم حسین آقا نوشته بودند که الحمد لله  
در این ایام حضرت مولی الری بعد از اقامت يك ماه و نیم طبریا  
با کمال اقتدار و عظمت و جلال به حیفا مراجعت فرمودند  
و هوای طبریا چون خشک است بسیار بوجود مبارک  
ساخته بود . در ۶ ماه جولای جناب میرزا علی اکبر غنچه  
با عروستان عاتم با دو کوبه شدند نسلشان ان کیت علیها السلام